



## بررسی انواع خشونت‌های در رمان " سمفونی مردگان "

أ.م.د. علي محيسن عبود<sup>1\*</sup>  
<sup>1</sup>دانشگاه سومر، ذي قار، العراق

### چکیده

جوامع بشری از آغاز تاکنون از اعمال خشونت رنج برده‌اند. و باتوجه به محیط، شرایط و افراد؛ اشکال، روشها و قربانیان خشونت متفاوت است. در این پژوهش صحنه‌های خشونت آمیز را؛ که عباس معروفی در رمان «سمفونی مردگان»، که در اواسط قرن بیستم به نگارش درآورده بود، رصد، طبقه‌بندی و تحلیل کردیم. هدف از این کار آشکار کردن شرایط حاکم بر جامعه ایران، جلب توجه به انگیزه‌های نهفته اعمال خشونت آمیز و همچنین شناسایی قربانیانی است که بیشتر در معرض اعمال خشونت آمیز بوده‌اند. همچنین آشکار ساختن آثار اعمال خشونت آمیز بر افراد، خانواده و جامعه است.

واژه‌های کلیدی: خشونت، رمان، سمفونی مردگان، کودکان، زنان، جامعه، خانگی.

## دراسة انواع العنف في رواية "سمنونية الموتى"

أ.م.د. علي محيسن عبود<sup>1\*</sup>  
<sup>1</sup>جامعة سومر، ذي قار، العراق

### الملخص

تعاني المجتمعات البشرية من أعمال العنف منذ القدم وحتى يومنا هذا. وتختلف أشكال هذا العنف وأساليبه وضحاياه باختلاف البيئة والأوضاع السائدة والأشخاص. وفي هذا البحث سنقوم برصد وتحليل وتصنيف مشاهد العنف التي جاءت في رواية "سيمفونية الموتى" التي كتبها عباس معروفی في منتصف القرن العشرين، والهدف من هذا البحث لفت الانتباه إلى الأوضاع التي كانت سائدة في المجتمع الإيراني، وكذلك بيان الفئة التي كانت أكثر عرضة لأعمال العنف، وتسلط الضوء أيضا على الآثار التي خلفتها أعمال العنف تلك على الفرد والأسرة والمجتمع.

الكلمات المفتاحية: العنف، الرواية، سيمفونية الموتى، الأطفال، النساء، المجتمع، الأسرة.

## A study of the types of violence in the novel (Symphony of the Dead)

Asst Professor Dr. Ali Mohaisen Abood<sup>1\*</sup>  
<sup>1</sup> University of Sumer, Thi-Qar, Iraq

### Abstract:

Human societies have suffered from acts of violence from ancient times to the present day. The forms, methods and victims of such violence vary according to the environment, prevailing conditions and people. In this research, we will monitor,

\* Email address: a.abood@uos.edu.iq

analyze and classify the scenes of violence that came in the novel "Symphony of the Dead" written by Abbas Maaroufi in the middle of the twentieth century. The aim of this research is to draw attention to the conditions that prevailed in Iranian society, as well as to indicate the group that was most vulnerable to acts of violence, and also to highlight the effects of these acts of violence on the individual, family and society.

**Keywords:** Violence, Novel, Symphony of the Dead, Children, Women, family.

#### پرسشهای بحث:

- \_ آیا جامعه ایران از خشونت رنج می برد؟
- چه اشکال خشونت در اواسط قرن بیستم در جامعه ایران رواج داشت؟
- \_ در آن وقت آسیب پذیرترین قربانیان خشونت در جامعه ایران چه کسانی هستند؟
- آیا انگیزه های خشونت در جامعه ایرانی انگیزه های شخصی بوده است. یا انگیزه های دیگری وجود داشته است؟
- خشونت بر جامعه ایران چه تأثیری دارد؟

#### فرضیه های بحث:

- \_ جامعه ایرانی مانند همه جوامع دیگر دچار خشونت شده باشد.
- جامعه ایرانی از خشونت های متعدد به ویژه خشونت گروهی و خانوادگی رنج می برد.
- کودکان و زنان بیشتر در معرض خشونت قرار دارند.
- انگیزه های پشت اعمال خشونت آمیز انگیزه های شخصی و انگیزه های مربوط به شرایط زندگی باشد.
- \_ خشونت در جامعه ایرانی و در سطوح مختلف، فردی و خانوادگی تاثیرات متعددی داشته باشد...

#### هدف پروژه :

در این پژوهش میخواهیم از اعمال خشونت آمیز رایج در جامعه ایرانی رونمایی کنیم. و اثرات، قربانیان و انگیزه های آن را توضیح دهیم. و این از طریق رمانی است که یک نویسنده مشهور ایرانی نوشته و به واسطه آن توانسته جنبه بزرگی از زندگی جامعه ایرانی در نیمه قرن بیستم را روشن کند.

#### روش بحث:

این پژوهش به شیوهی طبقه بندی و توصیفی- تحلیلی وبا استفاده از منابع کتابخانه ای و الکترونیکی به تحلیل «رمان سمفونی مردگان» اثر عباس معروفی پرداخته است.

#### المقدمه:

متون ادبی مجموعه‌ای از مسائلی را ارائه می‌کند؛ که جوامع بشری از آن رنج می‌برند. یکی از مهمترین این موضوعاتی که توجه نویسندگان را به خود معطوف کرد، مسئله خشونت در اشکال، علل، انگیزه‌ها و پیامدهای مختلف آن بوده است. و این موضوع در متون ادبی کهن فارسی به طور عام و متون جدید به طور خاص از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.

برای این پژوهش، رمان «سمفونی مردگان» اثر «عباس معروفی» را انتخاب کردیم؛ که یکی از مهمترین رمانهایی است که دسته‌ای از اعمال خشونت آمیز را بیچ در جامعه ایرانی در اوایل و اواسط قرن بیستم را، ارائه میکند. معروفی این رمان را در اواسط قرن بیستم نوشته. و وقایعی را روایت می‌کند؛ که مربوط به اوایل قرن بیستم میباشد. نگارنده صحنه‌های خشونت آمیزی را که معروفی در رمان خود ذکر کرده است، زیر نظر گرفته. و آنها را تحلیل و دسته‌بندی خواهد کرد. وی قبل از پرداختن به اصل مطلب، ترجیح داد مروری کوتاه بر زندگی نویسنده رمان، خلاصه- ای از رمان و توضیحی ساده از معنای خشونت، انواع، قربانیان، و تأثیرات آن از دیدگاه محققین، ارائه دهد.

### نگاهی بر زندگی عباس معروفی :

عباس معروفی (متولد 1336 هـ ش - 1957 م)<sup>1</sup>، در تهران در خانواده‌ای بازاری و سنتی زاده شد. خانواده عباس میخواستند دیدگاه سنتی خود را به وی بقبولانند اما او راه دیگری را برگزید. وی فارغ التحصیل هنرهای زیبای دانشگاه تهران در رشته هنرهای دراماتیک است. و حدود یازده سال معلم ادبیات در دبیرستان‌های تهران بوده است. نخستین مجموعه داستان او به نام (رو به روی آفتاب) در سال 1358 هـ ش در تهران منتشر شد. پیش و پس از آن نیز داستان‌های او در برخی مطبوعات به چاپ می‌رسید.<sup>2</sup>

عباس معروفی کار نوشتن را بسیار زود آغاز کرده است. زمانی که "سمفونی مردگان" را منتشر کرد سی و دو سال بیشتر نداشت و هنگام انتشار " فریدون سه پسر داشت" چهل و سه چهار سال<sup>3</sup>، اما با انتشار (سمفونی مردگان) در سال (1989 م) بود که نامش به عنوان نویسنده تثبیت شد<sup>4</sup>.

در سال 1369 هـ ش مجله ادبی (گردون) را پایه‌گذاری کرد. و بطور جدی به کار مطبوعات ادبی روی آورد. سبک وروال وی در این نشریه، موجب فشارهای پی در پی و سرانجام محاکمه و توقیف آن شد. معروفی در پی توقیف (گردون) ناگزیر به ترك وطن شد. از آثار او می‌توان به: (فریدون سه پسر داشت)، (سمفونی مردگان)، (دریاروندگان جزیره آبی‌تر)، (پیکر فرهاد)، (ذوب شده)، (نامه‌های عاشقانه و منظومه عین‌القضات و عشق)، (این سو و آن سوی متن)، اشاره کرد<sup>5</sup>.

عباس معروفی یکی از نویسندگانی است که با استفاده از مفاهیم اسطوره ای و کهن الگویی سعی در غنی تر کردن ساختار و محتوای آثار خود دارد. معروفی، علاوه بر اسطوره هابیل و قابیل، داستان مسیح (ع) و یوسف (ع)، از اسطوره های شاهنامه ای و دیگر ملل نیز در داستان های خود بهره برده است<sup>6</sup>.

عباس معروفی هم یکی از همین دست نویسندگان است که رمانش را با استفاده از اصول روانشناختی خلق می‌کند<sup>7</sup>.

مفهوم خشونت:

واژه خشونت در فرهنگ فارسی (درشتی، زبری، ناهمواری و درشت خویی) معنی می دهد.<sup>8</sup> از آنجا که خشونت بدنی ساده‌ترین نوع خشونت هستند تا به امروز هم اکثر محققان در این زمینه کار می کنند. تعاریف اولیه‌ای که برای خشونت ارائه شدند. بیشتر در رابطه با خشونت بدنی است. گلز (Edward Ellsworth Jones) و استراوس (Cloud Levi Strauss) دو پژوهشگری که سالها در زمینه خشونت خانگی فعالیت کرده‌اند، خشونت را به عنوان نوع رفتاری با قصد و نیت آشکار ویا رفتاری با قصد و نیت پوشیده اما قابل درک جهت وارد کردن آسیب بدنی به فرد دیگر تعریف کرده‌اند. مگارژی (Megaregeen) محقق دیگر در زمینه خشونت معتقد است تعریف و انواع دیگر خشونت به عنوان شکل افراطی پرخشگرانه نام می برد؛ که احتمالاً باعث آسیب مشخص به فرد قربانی می گردد. سازمان بهداشت جهانی خشونت را اینگونه تعریف می کند: استفاده عمدی از نیروی فیزیکی یا قدرت، تهدید یا اقدام واقعی علیه خود، شخص دیگر، یا علیه یک گروه اجتماعی، منجر به آسیب، مرگ، آسیب، ناهنجاری یا محرومیت می شود.<sup>9</sup>

خشونت‌ها به دو دسته تقسیم شده اند: الف) آشکار ب) پنهان

**خشونت آشکار:** شامل خشونت فیزیکی یعنی آسیب رساندن به اعضای بدن و خشونت لفظی دشنام، تهدید ...

**خشونت پنهان:** خود به زیر مجموعه خشونت‌های روانی و اقتصادی تقسیم می‌شوند:

خشونت پنهان اقتصادی شامل، محرومیت مالی و ... خشونت پنهان روانی شامل؛ کم انگاری، محرومیت از حمایت خانواده، تصمیم‌گیری به جای زن، خودکشی، فرار از خانه و ...<sup>10</sup>

### انواع خشونت :

محققان خشونت را به سه گروه بزرگ بر اساس ویژگی های افرادی که مرتکب عمل خشونت امیز شده اند طبقه بندی می کنند.<sup>11</sup>

1) **خشونت خود محور:** خشونت خودمحور به رفتارهای خودکشی و خودآزاری تقسیم میشود. اولین مورد شامل افکار خودکشی، اقدام به خودکشی است که در برخی از کشورها به عنوان "خودکشی ناموفق" یا "خودکشی عمدی" و خودکشی کامل شناخته می شود.

2) **خشونت بین فردی:** به دو زیر مجموعه تقسیم می شود:

أ) خشونت خانوادگی و خشونت با شریک زندگی یعنی خشونت نه منحصر، اما تا حد زیادی بین اعضای خانواده و شریک زندگی در خانه روی می دهد.

ب) خشونت اجتماعی: خشونتی که به طور کلی در خارج از خانه، و بین افرادی که ارتباطی با یکدیگر ندارند، یا ممکن است یکدیگر را بشناسد، رخ می دهد.

گروه اول شامل تمام اشکال خشونت مانند سوء استفاده از کودکان، خشونت خانگی و سوء استفاده از سالمندان است. اما گروه دوم شامل خشونت جوانان، اعمال خشونت امیز تصادفی، تجاوز جنسی توسط غریبه ها و خشونت در محیط های سازمانی مانند مدارس، محل کار، زندان ها و خانه های سالمندان بود.

**3) خشونت جمعی:** خشونت جمعی به خشونت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تقسیم می شود. بر خلاف دو مقوله گسترده دیگر، زیر مجموعه های خشونت جمعی در براندهی انگیزه های احتمالی برای اعمال خشونت نسبت به گروه های بزرگتر افراد یا دولتها است. خشونت جمعی متعهد به پیشبرد یک دستور کار اجتماعی خاص مانند جنایات جنگی از سوی گروه های سازمان یافته، اقدامات تروریستی و خشونت اوباش. **خشونت سیاسی** شامل جنگ و درگیری های خشونت بار مرتبط خشونت دولت و اقدامات مشابهی است که توسط گروه های بزرگتر انجام می شود. **خشونت اقتصادی** شامل حملات صورت گرفته با هدف اخلال در فعالیتهای اقتصادی، ممانعت از دسترسی به خدمات ضروری، یا ایجاد تفرقه و تقسیم اقتصادی. واضح است که اقدامات صورت گرفته توسط گروه های بزرگتر می تواند انگیزه های متعددی داشته باشند.

**4) خشونت خانگی:** خشونت خانگی الگویی از رفتارهایی است که موجب ترساندن، کنترل، تحقیر، منزوی کردن، ایجاد وحشت، ترور، اجبار، تهدید، سرزنش، صدمه، آسیب یا مجروح شدن فرد می شود. و می تواند شامل اقدامات فیزیکی، جنسی، عاطفی، اقتصادی، یا روانشناختی، و یا تهدیدهایی باشد؛ که شخص برای کسب یا حفظ قدرت و کنترل شخص یا اشخاص دیگر از آنها استفاده می کند.

خشونت خانگی شامل زیر است: سوء استفاده فیزیکی ضرب و شتم، سیلی زدن، هل دادن، گرفتن، کشیدن مو و غیره. خشونت خانگی شامل موارد زیر است:

**سوء استفاده جسمی (فیزیکی):** ضرب و شتم، سیلی زدن، هل دادن، گرفتن، کشیدن مو<sup>12</sup>.

سوء استفاده جسمی شامل ممانعت از برخورداری از درمان پزشکی یا مجبور کردن به مصرف الکل و یا مواد مخدر نیز می شود<sup>13</sup>.

**سوء استفاده جنسی:** اجبار یا تلاش برای واداشتن به هرگونه ارتباط جنسی یا رفتاری بدون رضایت.

**سوء استفاده عاطفی:** تضعیف احساس اعتماد به نفس یا اعتماد به نفس فرد. این می تواند شامل تضعیف توانایی های فرد، نامگذاری یا آسیب رساندن به روابط آنها با فرزندان خود باشد.<sup>14</sup>

**سوء استفاده اقتصادی:** ایجاد یا تلاش برای ایجاد وابستگی مالی فردی با کنترل کامل منابع مالی، ممانعت از دسترسی شخص به پول یا ممنوعیت حضور شخص در مدرسه یا کار.

**سوء استفاده روانی:** ایجاد ترس یا تهدید. تهدید آسیب جسمی به خود، همسر، فرزند، خانواده یا دوستان؛ تخریب حیوانات خانگی و تخریب اموال؛ و جدایی اجباری از خانواده، دوستان، مدرسه یا کار.<sup>15</sup>

### گروه های قربانیان خشونت :

اغلب اعمال خشونت آمیز علیه افراد ضعیف جسمی مانند زنان، کودکان، معلولان و گاهی اوقات مردان ضعیف رخ می دهد. اما طبقاتی؛ که بیشتر مورد هدف خشونت طلبان قرار می گیرند به شرح زیر است:

### 1\_ خشونت علیه زنان

خشونت عليه زنان پدیده‌ای است که در آن زن به خاطر جنسیت خود و به علت صرفاً زن بودن مورد اعمال زور و تضییع حق از سوی جنس مخالف قرار می‌گیرد. به طور کلی هر نوع عمل یا رفتاری که به آسیب جسمی، جنسی و روانی یا محرومیت و عذاب زن منجر شود، خشونت علیه زنان گفته می‌شود. تهدید به چنین اعمال و رفتاری، محرومیت از آزادی به اجبار یا به اختیار، اعم از زندگی شخصی و یا جمعی نیز جزء خشونت علیه زنان می‌باشد.<sup>16</sup> عموماً از زمان‌های پیش از تاریخ، زنان به شکلی ناعادلانه جایگاهی فرودست در معادلات اجتماعی داشته‌اند.<sup>17</sup>

## (2) خشونت علیه کودکان (کودک آزاری)

خشونت علیه کودکان شامل انواع خشونت علیه افراد زیر 18 سال است؛ که توسط والدین یا مراقبان کودک، همسالان، همسران دوم و یا غریبه‌ها ایجاد می‌شود.<sup>18</sup>

## (2) خشونت علیه سالمندان (مسن):

سوء استفاده از سالمندان به معنای سوء استفاده جسمی فیزیکی، جنسی، عاطفی یا مالی است. از یک فرد مسن یا نادیده گرفته شده معمولاً توسط یک مراقب (چه در خانه و چه در موسسه) می‌باشد.<sup>19</sup>

## علل روان شناختی خشونت

خشونت لزوماً به این علت که آگاهانه قصد آسیب به کسی داریم اتفاق نمی‌افتد، بلکه خیلی اوقات زمانی اتفاق می‌افتد؛ که ما طرف مقابل را فردی مشابه باخ و دمان نمی‌بینیم. و فصل مشترکی با او نماییم. متوجه نیستیم که احساسها و نیازهای آن فرد نیز شبیه ما است.

اصلی‌ترین علت خشونت را باید در روان فرد جستجو کرد. گاهی عوامل روانی خشونت ریشه در یک تعارض حل نشده دارند. یعنی فرد در مقابل یک مسئله یا احساس دچار دوگانگی است. این دوگانگی اغلب خود را به صورت طغیان‌های پرخاشگرانه در مقابل دیگران نشان می‌دهد. یکی دیگر از علل روانی می‌تواند ناتوانی در کنترل هیجانات باشد.<sup>20</sup>

## خوانش رمان سمفونی مردگان:

سمفونی مردگان (نگارش شهریور 1363 تا 1367) رمانی به شیوه جریان سیال ذهن است، این نوع داستان نویسی از نظریه (برگسون) فیلسوف فرانسوی<sup>21</sup> (حدود 70000 کلمه) از عباس معروفی و برنده‌ی جایزه‌ی بنیاد انتشارات ادبی فلسفی سورکامپ (2001 م) است. وقایع داستان در اردبیل، حدود 1320 تا 1355 ه.ش اتفاق می‌افتد.<sup>22</sup>

سمفونی مردگان از رمان خشم و هیاهوی فاکنر، بسیار متأثر است هم از جهت فضا و شگرد سیلان ذهن و هم از جهت شخصیت‌ها و طرح داستان.<sup>23</sup>

داستان سمفونی مردگان در فاصله زمانی حدوداً چهل و پنج ساله اتفاق می‌افتد. برای نویسنده‌ی رمان، تاریخ‌ها بیشتر به عنوان فاکتوری فرعی که مهمترین کارکرد آن پیشبرد داستان در فضایی رئالیستی است به کار می‌رود.<sup>24</sup> و حوادث

رمان «سمفونی مردگان» در فضایی سرد و تیره و تار و دلگیر پیش می‌رود؛ (فضایی که هم حاصل وضعیت اقلیمی شهر اردبیل است که وقایع رمان در آن می‌گذرد. و هم از سلطه‌ی حکومت دیکتاتوری رضا شاه بر کل جامعه‌ی ایران خبر می‌دهد)<sup>25</sup>.

«سمفونی مردگان» روایت فروپاشی و اضمحلال خانواده‌های سنتی است. خانواده‌های که هر کدام از شخصیت‌های آن نماینده‌ی قشر خاصی از جامعه هستند<sup>26</sup>.

عباس معروفی در رمان «سمفونی مردگان»، داستان هابیل و قابیل را مورد تأمل و تأکید خویش قرار داده است. و این موضوع هم از سر آغاز این اثر پیداست که آیاتی از سوره‌ی مائده را در ابتدای رمان خویش آورده است<sup>27</sup>.

رمان سمفونی مردگان، روایت چند ساعت پایانی زندگی اورهان اورخانی است. اورهان برای یافتن و کشتن برادر خویش، آیدین اورخانی، پا به مسیری می‌گذارد که به مرگ وی در شورآبی ختم می‌شود. در این رمان خواننده با سفر عینی و ذهنی اورهان همراه می‌شود. در سفر عینی، اورهان به قصد کشتن برادر از مغازه اش راه می‌افتد و به قهوه خانه‌ی کنار شورآبی می‌رسد. او در سرما و برف شب زمستان گرفتار می‌شود و فردای آن شب در باتلاق شورآبی فرو می‌رود و می‌میرد. اما سفر ذهنی اورهان، حرکت پاندول وار روایت رمان از زمان حال به گذشته و از گذشته به حال است<sup>28</sup>.

#### خلاصه‌ی رمان سمفونی مردگان:

داستان از جایی آغاز می‌شود؛ که یک مرد به نام جابر اورخانی همراه برادرش از اورمیه به اردبیل کوچ می‌کند. جابر در اردبیل به کار تجارت خشکبار می‌پردازد. و به خاطر تلاش فراوان موفقیت‌های زیادی کسب می‌کند. وی در اردبیل تشکیل خانواده می‌دهد. و صاحب 4 فرزند می‌شود. سه پسر بنام‌های یوسف، آیدین و اورهان و دخترش بنام آیدا. از بین آنها آیدین و آیدا دوقلو بوده و از نظر خلق و خوی شباهت‌های بسیاری به هم دارند. جابر اورخانی در این داستان پدری خشک و انعطاف‌ناپذیر است که می‌خواهد فرزندان او هم، راه او را ادامه دهند. پس از اینکه یوسف پسر بزرگ خانواده اورخانی دچار صانحه‌ای شده و علیل می‌شود، جابر به هر قیمتی تلاش می‌کند، آیدین یعنی پسر دومش را به سمت مغازه‌داری و شغل خود بکشانند. ولی آیدین دوست دارد درس بخواند. و علاقه‌ای هم به مغازه‌داری ندارد. برعکس آیدین، اورهان بچه‌ی کوچک خانواده، انسانی است فرصت‌طلب، و با علاقه‌ی شدیدی که از خود به تجارت نشان می‌دهد، خود را در قلب پدر جای داده. و سعی می‌کند در مغازه جای آیدین را بگیرد. برعکس پدر، مادر به خاطر سادگی و پاکی دل آیدین، او را بیشتر از همه دوست دارد. و همیشه خود را برای آیدین سپر می‌کند؛ که همین باعث شروع حسادت در اورهان نسبت به آیدین می‌شود. اورهان از فرصتی استفاده می‌کند؛ تا آیدین را جلوی پدر که دل خوشی از او ندارد تخریب نماید. عدم سازگاری اخلاقی و عدم تناسب افکار آیدین (استقلال‌گرایی و طبع نویسندگی آیدین) با افکار پدر (بی‌ارزش دانستن علم و عدم اعتقاد او به استقلال فکری آیدین) از یک سو و دو به هم زنی و شعله‌ور کردن این اختلافات توسط اورهان از سوی دیگر باعث می‌شود، آیدین از خانه پدری نقل مکان کرده. و در یک کارگاه چوببری در روستای شاماسبی در اطراف اردبیل مشغول به کار شود. اختلافات پدر و پسر تا به آن حد گسترده شده بود؛ که حتی بعد از مراجعه پدر به کارگاه چوببری و ابراز ندامت و پشیمانی پدر از تحقیر آیدین، آیدین میلی به برگشتن نمی‌کند. از یک طرف هم آیدا دوقلوی آیدین هم که ازدواج کرده است. به خاطر طرد شدنش توسط شوهر و

ترس از بازگشت به خانه پدری، دست به خودکشی می زند. با شنیدن این خبر آیدین صدمه روحی بسیار بزرگی را متحمل می‌گردد. و در واقع تمام آینده و آرمان‌های خود را به فراموشی می‌سپارد. در این لحظات تنها کسی که به آیدین امید می‌دهد، سورمه یعنی دختر ارمنی است؛ که آیدین پس از خروج از خانه پدری با او آشنا شده است. پدر آیدین هم پس از آیدا متحمل صدمه روحی زیادی می‌شود. و از آیدین دوباره درخواست می‌کند تا به خانه وی برگردد. آیدین به خانه پدری باز می‌گردد. و در مغازه که حالا فقط اورهان در آنجا کار می‌کند، شروع به کار می‌کند. پدر کم‌کم ضعیف‌تر می‌شود، تا اینکه وقت مرگش فرا می‌رسد. جابر در وصیتش اعلام می‌کند تمام اموالش را نصف به نصف بین آیدین و اورهان تقسیم کنند. و سپس مرگ را در آغوش می‌گیرد. طمع‌ورزی و سیری‌ناپذیری اورهان باعث می‌شود؛ که در باطن هیچ حقی را برای آیدین متصور نباشد. کم‌کم اورهان به صورت آشکار در مغازه به آیدین توهین و ناسزا می‌گوید. و از او می‌خواهد که دیگر به مغازه پا نگذارد. و دنبال درس و دانشگاه خود برود. آیدین هم به خاطر قولی که در هنگام مرگ پدر به او داده از قبول پیشنهاد اورهان اجتناب می‌ورزد. اورهان که از چنین وضعی به ستوه آمده است آیدین را مسموم کرده. و موجب دیوانگی و جنون وی می‌شود. اورهان پس از ازدواج متوجه می‌شود؛ که بچه‌دار نمی‌شود. او زن خود را طلاق می‌دهد. و به تنهایی در خانه پدری زندگی می‌کند. خانه‌ای که هیچکدام از اهالی خانه نمانده بود به جز یوسف و آیدین. چون تحمل تن علیل و فلج برادرش یوسف را ندارد مبادرت به کشتن یوسف در بیابانی خارج از شهر می‌نماید. پس از قتل یوسف، اورهان در شهر به برادر کش مشهور می‌شود. آیدین کم‌کم به دیوانه‌ای مضحک در شهر تبدیل می‌شود. رفتار آیدین با مردم و مسخره شدنش از یک سو و خارج شدن آیدین از کنترل اورهان موجب خشم او می‌شود. به‌طوری که همیشه با آیدین بدرفتاری می‌کند. و حتی وی را کتک می‌زند. مدتی می‌گذرد و پس از ناپدید شدن آیدین، کشیشی به صورت اتفاقی اورهان را پیدا کرده. و ادعا می‌کند پدر تعمیمی دختر آیدین است. اورهان به این نکته پی می‌برد که آیدین با سورمه (دختر ارمنی) ازدواج کرده و صاحب دختری شده است. بنابراین اورهان با این طرز فکر که مبادا دختر آیدین مدعی ارث پدر شود، می‌خواهد آیدین را پیدا کرده و بکشد. اورهان می‌خواهد به قهوه‌خانه‌ای که آیدین همیشه آنجا بوده، برود اما وسط راه در برف و سرمای شدیدی گرفتار می‌شود. و از بازگشت به شهر و زندگی دوباره نا امید می‌شود. جالب اینجاست که حتی در چنین شرایطی هم امید برای پیدا کردن و کشتن آیدین دارد. داستان به صورت ایستایی زمان و در فاصله میان شروع و پایان حرکت اورهان به تصویر کشیده شده است. و کمیت داستان به صورت گذرا مانند فیلمی از جلوی ذهن اورهان می‌گذرد. در آخر داستان اورهان که به دنبال پیدا کردن آیدین در بیابان پر از برف گرفتار شده با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند. و ظاهراً تسلیم مرگ می‌شود. البته مرگ اورهان و همین‌طور کشته شدن یا نشدن آیدین به دست او در هاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند. و تا حدودی قضاوت را بر عهده خواننده واگذار می‌کند.<sup>29</sup>

### تحلیل صحنه‌های خشونت موجود در رمان

با پیگیری وقایع این رمان وبا تحلیل آن اتفاقات و دیالوگهایی که بین افراد رمان رخ داده‌است، متوجه می‌شویم؛ که بیشتر صحنه‌های خشونت‌آمیز آن تحت عنوان (خشونت خانگی) قرار می‌گیرد. همچنین گروهی از اقدامات وجود دارد؛ که میتوان آنها را تحت عنوان (خشونت جمعی) یا (خشونت خود محور) طبقه بندی کرد.

### 1\_ خشونت خانگی



در این رمان متوجه می‌شویم که (جابر) و پسر کوچکترش (اورهان)؛ که از نظر اخلاقی به او شباهت دارد، قهرمان  
صحنه‌های خشونت‌آمیز رمان. اما آیدین، آیدا و مادر قربانیان اعمال خشونت‌آمیز آنها بودند. خشونت خانگی روشها  
مختلفی دارد؛ که با یاد آوری نمونه‌هایی از رمان مورد تحقیق به توضیح آن می‌پردازیم.

### 1\_ سوء استفاده جسمی

#### \_\_ کتکهای شدید و مضر

ما شاهد اعمال خشونت فیزیکی (کتک و ضرب شدید) توسط پدر علیه فرزندش (آیدین) در دوران کودکی هستیم.

ری فیما ترجمته:

▪ ( آیدین را گرفت و آنقدر به بس گردنش زد. تا سه روز نمی توانست سرش را تکان بدهد.) (عباس معروفی  
1336، ص24)

▪ (آیدین از یک کتک مفصل دیگر جان سالم دربرد، چون پدر به خاطر آیدا خوانش را کتیف نمی‌کرد.) (همان، ص85)

#### \_\_ مجبور کردن فرد به انجام کارهای بیشتر از توانش

آیدا تنها کسی در خانواده‌اش بود؛ که می‌پخت، تمیز می‌کرد و می‌شست...

▪ ( در اشبیزخانه تنها غذا می‌خورد، تنها تنها می‌شست، تنها می‌پخت، تنها می‌خوابید و کلفت غریبه‌ای را می‌مانست  
که مبتلا به جذام باشد...) (معروفی، ص89)

در مورد اورهان که نسبت به همه چیز متنفر است، او را در حال اعمال خشونت فیزیکی علیه برادرانش آیدا و آیدین می  
بینیم. مثلاً: به بهانه اینکه آیدا جوراب و لباسش را خوب تمیز نکرده، او را در مقابل چشمان پدرش کتک زد که پدرش  
بدون هیچ عکس‌العملی سکوت کرد، زیرا معتقد بود این کار او بوده و او سهل‌انگاری کرده و باید مجازات شود.

▪ ( و اورهان درست در همان لحظه به خاطر اینکه آیدا جورابها و لباس او را با دقت نمی‌شوید یکی خواباند توی  
صورت آیدا ... آیدا گریه کرد، و پدر یک قاچ هندوانه در دست و یک گل در دهان همانطور ماند...) (معروفی، ص128)

نیز اورهان، آیدین را هم می‌زد و سر املاک، ارث و کار با او دعوا می‌کرد.

▪ (گفتم کرکری می‌خوانی؟ دستت میکنم، پاشدم می‌خواستم بزنم یکی از استخوانهاش را قلم کنم.) (عباس معروفی  
1336، ص37)

#### \_\_ کشتن

اورهان از ضرب و شتم شدید فراتر رفت. و وارد مرحله پیشرفته خشونت فیزیکی شد. وی پس از مرگ مادرش دیگر  
طاقت حضور برادر معلول خود (یوسف). و آماده مراقبت از او نبود ... بنابراین متوجه شد که کشتن او تنها راه تسکین  
هر دوی آنهاست. اما روش کشتن او به شدت خشونت‌آمیز بود. وبا او طوری رفتار می‌کرد که انگار یک حیوان  
است. وبدون ترحم و رحم او را کشت.

■ (يوسف را پايين كشيدم... گذاشتمش توی یک گودال. خواستم روش خاک بریزم اما دلم نیامد. کمر بندم را باز کردم. و دور گردنش حلقه انداختم. و کشیدم. کشیدم... آنقدر کشیدم که نفسم برید .. اما یوسف خفی نمی شد ... من چاقوی کوچکم را از جیبم در آوردم. و رگهای دو دستش را بریدم. کنارش نشستم تا خونش تمام شود. اما هیچ خبری نبود... سرش را دادم آن طرف. و شاهرگه‌اش را زدم ... یوسف همانطور نشخوار میکرد. و خیره می شد. و تکان نمی خور... به اطراف نگاه کردم. یک سنگ بسیار بزرگ برداشتم ... سنگ را با دو دستی بلند کردم. و چنان به کله‌اش کوبیدم... مغزش از گوشه‌ی چپ زده بود.) (معروفی، ص 293-294)

سپس اورهان با استفاده از جادو سعی کرد برادرش آیدین بکشد، لذا مغز پرستویی را به او داد تا بخورد، اما آیدین دیوانه شد.

■ (مادر لحظه‌ای با تنفر نگاهم میکرد. و عاقبت می گفت: هرچه کرده‌ای، کرده‌ای. حالا بگو چه به خودش داده‌ای که من اقلأ پاد زهرش پیدا کنم.) (معروفی، ص 313)

### \_ زندان وشکنجه

وقتی اورهان موفق به کشتن برادرش آیدین نشد، او را زندانی کرد. وبا زنجیر بست. و در سرما بدون غذا و مراقبت رها کرد....

■ ( شبها اردبیل سردتر است... یک آدم که به زنجیر بسته شود زیرش را خواهی نخواهی خیس می کند (...)) (معروفی، ص 279)

### 1\_ ب\_ سوء استفاده عاطفی

نویسنده نیز گروهی از اعمال خشونت آمیز را که میتوان تحت عنوان (خشونت عاطفی) طبقه بندی کرد؛ بررسی کرد. نگارنده متوجه شد که آن اعمال عمدی یا قصد آسیب رسانی نبوده؛ بلکه هدف از آنها نشان دادن ناراحتی و عصبانیت برای اصلاح رفتار بوده است. در این رمان جابر پسرش آیدین را با چند لقب توهین آمیز خطاب میکند، از جمله: (بی رگ، میرزا، الدنگ...); تا اعتراض خود را به رفتار پسرش نشان دهد. و رفتارش را اصلاح کند.

■ (خیره خیره نگاه کرده بود و گفته بود: " با این سبیل کجا را می خواهی پاره کنی، میرزا؟) (معروفی، ص 170)  
اما اورهان، پسر کوچکتر، به دلیل حسادت که نسبت به آیدین احساس می کرد، از همان لقبی که پدرش به آیدین می گفت، او را به تمسخر می گرفت و به وی توهین می کرد:

■ (میدانستم به کجایش بگویم که ناکارش کنم گفتم: " پدر میدانست که تو چه جانوری هستی. بی خود اسمت را نمیگذاشت بی رگ") (عباس معروفی، 1336، ص 26-27)

■ ( اما کلایه‌اش از اورهان بود که مدام نیش و کنایه می زد. و هرچه او آرامتر رفتار میکند، اورهان بیشتر زهر میریزد.) (معروفی، ص 249)

■ (اورهان از خشم لرزید فریاد زد: " الدنگ مفتخور") (معروفی، ص 243)

### 2\_ ب\_ محرومیت از توجه ومحبت

پدر و مادر آیدا هیچ وقت محبت و مهربانی به وی نشان ندادند؛ زیرا او دختر است. ووالدینش معتقد بودند؛ که فقط باید به پسرها عشق ورزید.

▪ (ایدا اموخت که چشم بدوزد به این وآن. واز تمامی محبتی که بین برادرها بخش می شود ذره‌ای بهره نبرد.) (معروفی، ص89)

خشونت عاطفی ممکن است ناخواسته باشد، مانند بی توجهی مادر به پسرش اورهان در حالیکه بیشتر توجه او به پسرش آیدین بود؛ زیرا آیدین با طبیعت مهربان و دلسوزش از طبیعت خشن اورهان برایش دوست داشتی‌تر است.

▪ (آن مادر که همه‌ی محبتش را شش دانگ به اسم آیدین انگشت زده بود، حتی یک بار هم نگفت اورهان من)(معروفی، ص24)

### 3\_ خشونت روانی

#### 3\_1\_ ارباب

آیدین از بچگی همیشه در ترس بود؛ که کاری کنه که پدرش قبول نکنه... و این به این دلیل است که از مجازات سخت پدرش میترسید؛ مانند ضرب و شتم شدید در دوران کودکی و سوزاندن کتابها و شعرهایش در جوانی. یکی از کارهایی که آیدین در کودکی دوست داشت انجام دهد و پدرش آنرا قبول نداشت این بود که ایستاده ادرار کند.

▪ (سرچاهک ایستاده بود و قلبش تند میزد... پدر را دید که جلو در ایستاده و با غیظ نگاهش میکند. گفت: "کره خره ایستاده می شاش؟" آیدین سرش سیاهی رفت و در میان خوشی و آرامش یکباره سوزش در کمرگاهش احساس کرد... پدر گوشش را گرفت و با پس گردنی بردش دم تخت... آن وقت حس کرد دور کمرش درد میکند و سه روز شاش بند شد)(معروفی، ص14)

آیدین در دوره جوانی‌اش می ترسید که پدرش او را در حال خواندن کتاب و مجله ببیند؛ زیرا او را به شدت مجازات می کند چون فکر میکرد این کتابها باعث فساد اخلاقی وی می گردد.

▪ (آیدین از جا جست. کتاب دستش بود به حالت دست به سینه سیخ ایستاد. من آشکارا لرزش دستهایش را میدیدم. (...)(معروفی، ص37)

آیدا هم از بیان خواسته‌ها و احساساتش می ترسید... وجرأت نداشت جلوی اعضای خانواده اش به آبدان ابراز علاقه کند.

▪ (اما ایدا دل پاخته بود در خفا به آبدانی علاقه‌مند شده بود. جرئت نداشت حرف بزند...) (عباس معروفی، ص133، ص134)

### 3\_2\_ انزوا و جدایی

پدر از روش انزوا و جدایی برای تنبیه فرزندانش استفاده می کرد... چون این روش از نظر او از سرایت بیمارهای اخلاقی به بقیه اعضای خانواده جلوگیری میکند. بنابراین وقتی متوجه شد آیدین در حال خواندن کتابهایی است که از نظر او ممنوع میباشد، او را در زیرزمین منزوی کرد.

- ( برای اینکه دندان پوسیده را باید کند و انداخت دور؛ تا داندان سالم سالم بماند.) (معروفی، ص 39)  
پدر نیز دخترش را از دوستانش و همه اعضای خانواده، منزوی کرد؛ لذا او مانند کنیز غربی بود؛ که به جذام مبتلا شده بود، هیچ کس در مورد او سؤال نمی کرد. و به او اهمیت نمی داد ...
- ( آیدا در اشبزخانه نم می کشید. وبا تنهایی وحشت بارخو میگرفت. نه همکلاس داشت نه برای کاری پا از خانه بیرون میگذاشت. ونه حتی کسی به خانهی آنها می آمد....) (معروفی، ص 89)
- ( در اشبزخانه تنها غذا میخورد. تنها تنها می شست. تنها می پخت. تنها می خوابید. و کلفت غریبه‌ای را می مانست؛ که مبتلا به جذام باشد... و هیچ کسی نمیپرسید آیدا کجاست؟) (معروفی، ص 89)  
و هدف از آن، این است که او را به یک دختر مطیع تبدیل کند؛ که فقط به کار خانه فکر می کند. و تحت کنترل پدرش باقی بماند ...
- (پدر آن خوی سرکش و شلوغش را در طول زمان خرد میکرد. در برابر تمام هیجانات روحی اومی ایستاد و از او دختری رام و آرام می ساخت...) (معروفی، ص 90)  
مادر هم از پس از انباشته شدن درد و نگرانی‌ها روی شانه‌هایش، از مردم و اعضای خانواده‌اش گوشه‌گیر و منزوی شد، زیرا از رفتار شوهرش ناراحت بود؛ چون با وجود فداکاری‌های فراوانی که برای خانواده و آسایش همسرش انجام داد، وی را از رفتن به تهران و دیدار با خانواده‌اش بازداشت.
- (دلش پر بود و تند راه میرفت: " یک عمر سوختیم. دم نزدیکیم،...نجابت کردیم. حالا میگویند حق نداری بروی تهران، من...." حرفش را ناتمام گذاشت.) (معروفی، ص 153-154)
- (ما دیگر هیچ کس را ندیدیم، انگار بی کس و کاریم. تو خودت مگر فامیل نداری؟ پس کو؟ مادر گفت: " رضاییه، اما وقتی اجازه نمی دهد چه جوری می توانم بروم؟ من یک زنم، با این اخلاق پدرتان، آنها هم جرئت ندارند بیایند.) (معروفی، ص 154)

### 3\_3\_ اخراج از خانه

- آبادانی همسرش آیدا را به دلایل نامعلومی و علیرغم اینکه می دانست او در شهر خود غریبه است، و خانواده و خویشاوندی ندارد، از خانه اخراج کرد.
- (می گفت: " همسایه‌اش گفته‌اند آبادانی آن شب آیدا را از خانه انداخته بیرون") (معروفی، ص 226)  
جابر نیز پسرش آیدین را از خانه بیرون کرد؛ تا به او فشار بیاورد. و به دستورات و خواسته‌هایش عمل کند...
  - (بله عمو جان همه‌ی زندگی مرا به آتش کشیدند. و بیرونم کردند.) (عباس معروفی، ص 176).

### 4\_ سوء استفاده اقتصادی

### 4\_1\_ محرومیت از مخارج شخصی

پدر برای تنبیه پسرش آیدین از روشهای اقتصادی استفاده می کرد، مثلاً او را از مخارج شخصی محروم می کرد. ولباس نو برایش نمی خرید.

▪ ( مہار آیدین از کف بیرون می شد. سرکش و رام نشدنی.... مدتی پول جیبی اش قطع کردند...براش لباس نمی خریدند. با همان کهنه ها روزگارش می گذارند.) (معروفی، ص 114)

#### 4\_2\_ کتابهایش را می سوزاند

کتابها و دفترهایش را هم سوزاند؛ تا نخواند.

▪ (اتاق پر از خاکستر و چوب نیم سوخته بود. و کتابها و شعرها همراه شعله ای آتش به آسمان رفته بودند.) (معروفی، ص 174)

#### 4\_3\_ عدم ثبت نام در مدرسه یا دانشگاه

وقتی آیدین کودک بود، پدرش او را تهدید کرد؛ که اگر دوباره کت قرمزش را بپوشد؛ او را در مدرسه ثبت نام نخواهد کرد، زیرا وی معتقد است، قرمز رنگی است که مختص دختران میباشد.

▪ (روزی که پدر میخواست اولین بار اسمش را در مدرسه بنویسد گفت: "دیگر نباید این پالتو را بپوشد. آیدین گریه کرد. پدر گفت پالتو قرمز مال دخترهاست... گفت: "اگر میخواهی اسمت را بنویسم دیگر این را نپوش....") (معروفی، ص 124)

وقتی آیدین بزرگ و جوان شد، پدرش او را از ثبت نام در دانشگاه منع کرد؛ تا در مغازه کمکش کند و تاجر بشود.

▪ (گفت: "خوب شازده چی تصمیمی داری؟")

▪ دارم خودم برای دانشگاه آماده میکنم.

▪ که چه بشود؟ تو دنبال چی هستی؟ بگو بهت بدهم.... بحث نکن با من یا می آیی یا می روی.) (معروفی، ص 168)

#### 2\_ خشونت جمعی

##### 2\_1\_ اجتماعی

##### \_ جنگ

وقایع رمان در زمان جنگ جهانی دوم رخ داده است. و ایران یکی از میدانهای جنگ بوده است... بنابراین مردم از صدای گلوله و بمب رنج می بردند... و کودکان قربانی این موضوع شدند. چون آنها از صدای گلوله و بمب میترسیدند و دلشان از آن می لرزید.

▪ ( صداهای گنگ و دور، و گاهگاه صدای تک تیری از گرد شهر شنیده. اورهان و آیدا وحشت زده واز مادر جدا نمی شدند.) (عباس، ص 95)

نه تنها کودکان قربانی آن جنگ شدند، بلکه جوانان نیز از گسترش گرسنگی، دزدی و تجاوز جنسی به دختران و زنان توسط سربازان خارجی آسیب دیدند.

تجاوز به دختران و زنان، کشتن، دزدی

- (گرسنگی، فرار دختران جوان، دزدی، جنگ تن به تن، تجاوز سربازان چشم زاغ، ولع آدمی، وفلاکتی که گریبانگیر شهر شده بود. از پس جنگ سر بیرون می آورد به چند زن شوهر دار تجاوز شده بود. امینه‌ای را تکه تکه کرده بودند، یک دختر از محله " پیرمادر " ناپدید شد. و چند دختر جوان که سر و گوششان می جنبید به بهانه‌ی تجاوز سربازان روس شهر را ترک کرده بودند.) (معروفی، ص 102)

## 2\_2\_ اقتصادي

گرسنگی : گرسنگی نیز یکی از ابزارهای جنگ جهانی در آن زمان بود.

- (گرسنگی، فرار دختران جوان، دزدی.....) (معروفی، ص 102)

## 2\_3\_ سياسي

خدمت نظامی اجباری، زندان

حکومت شاه به بهانه‌های واهی، جوانان را تشبیه می‌کرد. و یا به سوی جنگ یا زندان یا دار می‌برد...

- (مگر چی شده؟ به خاطر خودش این کار را کردیم می بینی که روزگار روزگار نیست. سر هیچ و بوج جوانها میگیرند. و می اندازند آن تو.) (معروفی، ص 55)

کشتن

اعدام و به دار آویختن روشی بود که حکومت شاه برای فرونشاندن نزاع و انقلاب به کار میبرد.

- (و پدر درست جمله‌ی ایاز را برایش تکرار کرده بود: " یادت باشه که سیبل کلفتها را کجا دار زدند.) (معروفی، ص 170)

دستگیری روشنفکران مخالف حکومت

همچنین حکومت شاه هرکس را که اشعار و کلماتی که با تداوم و موجودیت و خط مشی آن در تضاد باشد؛ دستگیر می کرد.... لذا روشنفکران و شاعران مخالف و ... را دستگیر و شکنجه می کرد تا عقب نشینی کنند. و تمام عقایدی را که به آنها باور داشتند، فراموش کنند. به همین دلیل نویسنده در این رمان نشان میدهد که حکومت شاه، شاعر دلخون را به اتهام خرابکاری در ذهن جوانان دستگیر کرده است.

- ( چند روز بعد در شبی ماه بدر تمام، زمین را روشن کرده بود، سه مأمور به خانه استاد دلخون ریختند، او را دستگیر کردند به عنوان مخرب اذهان جوانان غیور، تحت الحفظ به تهران فرستادند.) (معروفی، ص 157)

افسر ایاز همچنین سعی کرد آیدین را دستگیر و او را شکنجه کند، تا از افکارش دست کشد.

- (ایاز گفت: " راستش به خاطر حفظ آبروی خانوادگی، می خواهم بگذاری دوتا پاسبان امشب بریزند توی خانه‌ات." پدر گفت: " که چه بشود؟"

■ "بگیرندش، و خودم می دهم داوازدهتا باتوم به ماتحت نازنیش بزندد یکی دو ماه نگهش می داریم، شعر و شاعریش  
از کله اش میبرد...)" (عباس معروفی، ص172)

و حکومت شاه برای فرونشاندن نزاع و انقلاب، از دار زدن کسی در وسط شهر ابایی نداشت.

■ (در صبح آن روز برف که شهر زیر بارش سفید دفن می شد. دو نفر سیبل کلفت حزبی را درست در وسط میدان  
عالی قاپی که مرکز کارگری بود دار زدند. و غائله خوابید.) (معروفی، ص120)

#### 4\_ خشونت خود محور

نویسنده همچنین گروهی از اعمال خشونت آمیز را ارائه کرد که میتوان آنها را تحت عنوان (خود محور) طبقه  
بندی کرد. برخی از این اقدامات عمدی و برخی دیگر غیر عمدی بوده و انگیزه آنها نیز متفاوت بوده است... مانند آسیب  
رساندن کودکان به خود در حالی که فکر می کنند مشغول بازی هستند، همانطور که یوسف پسر بزرگ جابر این کار را  
انجام داد. او سعی کرد با چتر نجات پدرش به تقلید از سربازان روسی پرواز کند. و نتیجه این شد که او به یک تکه  
گوشت بی جان تبدیل شد.

■ (یوسف... به اتاق پدر رفت. چتر سیاه و بزرگ پدر را برداشت. با چند طناب خود را به چتر متصل کرد. برلبه‌ی بام  
ایستاد و پرواز کرد... چیزی شده بین آدم و حیوان. مرده وزنده یک تکه گوشت. یک جانور که مدام می بلعد.)  
(معروفی، ص111)

گاهی کودکی عمداً به خود آسیب می رساند؛ تا توجه بزرگترها را به مخالفتها و خواسته‌هایش جلب کند، همان طوریکه  
اورهان، سرش را به زمین می زد تا جایی که خون از سرش بیرون آمد و بی حال افتاد. تا نشان دهد که او با دوچرخه  
سواری آیدین مخالفت می کرد.

■ (من چه گناهی داشتم که پدر برای او دوچرخه نمی خرید. از ایوان داد زدم: "از چرخ من بیا پایین" اما سریعتر  
چرخید و قهقهه زد من به حیاط رفتم، یک گوشه نشستم و آنقدر سرم را به زمین کوبیدم که بی حال  
افتادم.) (معروفی، ص24)

گاهی این خشونت توسط بزرگترها با انگیزه فرار از واقعیت و رهایی از آن انجام می شود، همانطور که آیدا پس از  
بیرون راندن شوهرش از خانه خودسوزی کرد...

■ (در صفحه سوم روزنامه... به خط درشت نوشته شده بود: "زنی به نام آیدا را در آبادان خود را به آتش کشید.)  
(معروفی، ص217)

#### اثرات خشونت

اثرات اعمال خشونت آمیز که در بالا بررسی کردیم را می توان به سه سطح زیر تقسیم کرد:

#### 1\_ سطح فردی

اکثر افرادی که در این رمان در معرض اعمال خشونت آمیز قرار گرفتند؛ در معرض مرگ، گمراهی، افسردگی، بیماری، غم و اندوه یا احساس بیگانگی و تنهایی بودند.

**مرگ:** مثل مرگ آیدا، یوسف، دلخون، دختران جوان، زنان... ..

**بیماری:** مانند ناتوانی یوسف، رماتیسم آیدا، جنون آیدین و بیماری دائمی مادرش.

▪ (او (آیدا) از کودکی به آرتروز مبتلا بود... و آیدا را در آشبزخانه نم می کشید...)(معروفی، ص 89)

▪ (اما بیش از همه چیز درد مفاصل لاغر و بی حالش کرده بود.)(معروفی، ص 134)

**افسردگی:** آیدین به دلیل خشونت که از پدر و برادرش اورهان متحمل شد، افسرده شد.

▪ (رفته رفته خلق و خوی شاد از وجودش جدا شد انگار خودش سوخته بود. سر و وضع خوبی هم نداشت...)(معروفی، ص 57)

اما آیدا به دلیل افسردگی و از دست دادن امید به یک ربات صبور، کر و لال تبدیل شد؛ که وظایف معمول خود را بدون هیچ احساسی انجام می دهد.

▪ (در کنج خانه نم کشیده بود مثل آدمهای کر و لال به زندگی عادی اش ادامه می داد. می شست. می پخت، جارو میزد...)(معروفی، ص 134)

▪ احساس سرگشتگی: آیدین نیز به دلیل خشونت، احساس گمراهی می کرد. و نمی دانست چه کند.

▪ (احساس سرگشتگی همه وجودش را گرفته بود...)(معروفی، ص 178)

### **احساس تنهایی و بیگانگی**

آیدین اگرچه در خانواده خود زندگی می کرد، اما به دلیل خشونت که از سوی اعضای خانواده می شد، احساس تنهایی می کرد.

▪ (تنهایی و غم غربت در چنگ انداخت، غربتی که در میان شهر آشنا گریبانش را گرفته بود. چقدر انسان تنهاست مثل پرکاه در هوای طوفانی...)(معروفی، ص 176)

آیدا همچنین به دلیل اعمال خشونت آمیز از خانواده و همسرش احساس بیگانگی، غمگینی و درد می کرد.

▪ (رفته رفته از برادرها جدا افتاد و خوی غریبانه ای پیدا کرد... حسرت میخورد... به سکوت خو میگرفت و آنقدری بی حضور شده بود که همه فراموشش کردند...)(معروفی، ص 90)

### **احساس غم و درد**

مادر همیشه به خاطر وضعیت خانواده اش ناراحت بود.

▪ (نفس تنگی مادر شدت یافته. نمیدانست که آیدین کجاست اما میدانست که تنهاست.. وقت و بی وقت گوشه ای به گریه می نشست و هرچه میگریست دلش آرام نمی شد...)(معروفی، ص 199)



اما آيدا، چون اعضاي خانواده‌اش با او مانند يك كنيز بي ارزش و بي حضور رفتار ميكردند، غم و اندوه وارد قلب او شد.

- (بعدها دختری خود خور، صبور شکسته و غمگین....)(معروفی، ص89)

### سطح خانواده

در مورد خانواده‌ها، زندگی آنها تقریباً فروپاشیده، سخت و تلخ شده است. و اعضای آنها از هم جدا شده اند. و روابط بین آنها تقریباً از بین رفته است.

ـ جدایی اعضای خانواده: اعمال خشونت آمیز باعث جدایی و فروپاشی اعضای خانواده نیز شد.

- (مادر گفت: " نمی فهمم چرا زندگی ما این جور شد. کی باعث این پاشیدگی و تفرقه است؟)(ص244)

ـ از دست دادن لذت زندگی: اعمال خشونت آمیز نیز دلیل تلخی، بی رنگی، بی روحی و دشواری زندگی بود. و همه از آن خسته و آزرده به نظر می رسیدند.

- (زندگی در خانه‌ی پدر تلخ و دشوار شده بود. مادر حوصله‌اش از دست داده بود. پدر نعره می زد نتیجه‌ای هم نمیگرفت. دیگر آن همه غذاهای رنگ و ورائنگ و خوشمزه خبری نبود.... مادر مدام مریض بود.... رابطه‌ی پدر و مادر سرد و بی روح شد...)(معروفی، ص89)

### 3\_ سطح جامعه

وضعیت جامعه هم مثل خانواده جابر. و شبیه هوای فوق العاده سرد اردیبل در اکثر ماه های سال است... و جامعه به دلیل خشونت جمعی و خانگی... دچار فروپاشی، عقب ماندگی، بی سوادى، گرسنگی، دزدی و تجاوز جنسی... شده است.

- (گرسنگی، فرار دختران جوان، دزدی، جنگ تن به تن، تجاوز سربازان چشم زاغ، ولع آدمی، و فلاکتی که گریبانگیر شهر شده بود. از پس جنگ سر بیرون می آورد به چند زن شوهر دار تجاوز شده بود. امینه‌ای را تکه تکه کرده بودند، یک دختر از محله " پیرمادر " ناپدید شد. و چند دختر جوان که سر و گوششان می جنبید به بهانه‌ی تجاوز سربازان روس شهر را ترک کرده بودند.)(معروفی، ص102)

### انگیزه‌های خشونت

دلایلی مختلفی پشت انجام اعمال خشونت آمیز وجود دارد. اما اینجا انگیزه‌های ارائه شده در رمان را بررسی میکنیم.

### 1\_ اختلالات شخصیت

اگرچه جابر و پسرش اورهان از نظر اخلاق و منش مشابه یکدیگر بودند، اما انگیزه آنها برای ارتکاب اعمال خشونت آمیز علیه بقیه اعضای خانواده متفاوت بود.

### 1\_أ\_ عشق به کنترل و سلطه

عباس معروفی از طریق رمان خود به دنبال این بود که برخی از بیماریهای روانی که بسیاری از والدین از آن رنج میبرند اشاره کند؛ که آنها را به انجام اعمال خشونت آمیز علیه فرزندان خود سوق می دهد، مانند تمایل جابر به اینکه

همه فرزندانمان مانند او شوند. لذا معروفی، مجازات مکرر جابر، پسرش آیدین را به این دلیل دید که آیدین از نظر ظاهر و شخصیت با او تفاوت داشت. و همچنین حاضر نشد تاجر می مانند او شود.

- هر چه فکر کنم می بینم ما در ایل و تبارمان این جور آدم نداریم نه قیافه اش، نه رفتارش... (معروفی، ص 87)
  - (یکباره فریاد کشید: " هر چه میگویم باید بگویی چشم. اما ظاهراً از من خوشتر نمی آید که نمی خواهی کاسب بشوی... بحث نکن با من یا می آیی یا می روی.) (معروفی، ص 126)
- در مورد دخترش آیدا... جابر به دلیل دختر بودن وی، سعی نکرد او را شبیه خود کند، بلکه سعی کرد او را آنطور که میخواست بسازد. پس روح سرکش و عشق به آزادی سرکوب کرد؛ که بتواند او را تحت اختیار خود نگهدارد.
- (پدر آن خوی سرکش و شلوغش را در طول زمان خرد می کرد. در برابر هیجانات روحی او می ایستاد و از او دختری رام و آرام می ساخت) (معروفی، ص 89)

### 1\_ب\_ تکبر

شاید تکبر یکی از انگیزه های بود که جابر را به برخورد خشونت آمیز با فرزندان برانگیخت. در این زمان جابر به جای اینکه با فرزندان با مهربانی و محبت و رحمت برخورد کند، از توهین، ضرب، شتم و دشنام استفاده میکرد.

- (اما پدر چنین نبود، مردی بود ساکت و خشک که کارش را بیش از هر چیز دوست می داشت، اخمو بود و آیدین در طول زندگی با وحشت سلامش می کرد.... و همیشه ترس ناشناخته از پدر در خود داشت، و بعدها که بیست و چهار ساله شد فهمید که پدر خیلی مغرور است.) (معروفی، ص 117)

تکبر جابر به حدی رسید؛ که فراموش کرد کودک آیدین پسر او میباشد. لذا از شکستن تکبر و غرور وی لذت می برد.

- (اما غرور عجیبی دارد، آدم هوس می کند این غرور را بشکند...) (معروفی، ص 46)
- ### 1\_ج\_ کینه ولذت انتقام:
- چون اورهان همیشه در برابر برادرش احساس حقارت میکرد، وقتی فرصتی پیش آمد که انتقام گستاخی خود را از برادرش بگیرد، چنین کرد.

- (وقتی می دیدم این هیكل گنده با آن غروری که سابق داشت تحت فرمان من در آمده لذت میبرد.) (معروفی، ص 279)

### 1\_د\_ حسادت:

آیدین در ظاهر و حضور، زیباتر از اورهان بود. مخصوصاً برای خانمها جذاب بود...؛ به همین دلیل اورهان به برادرش آیدین حسادت میکرد.

- (مشتریه های ما با آنکه می دانستند من داووده سال سابقه دارم اما یکر است می رفتند سراغ اخوی. خیال کردند من شاگردم. و بدتر آن زنهای نکبتی بودند که وقتی قیافه اش را می دیدند بند دلشان پاره می شد...) (معروفی، ص 27)
- (عصر دلگیری بود. رفتم گورستان، سر قبر پدر نشستم و گریه کردم. گفتم: "پدر، مرا از چی ساختی، او را از چی؟ چرا زنها نگاهم نمیکنند، چرا اخمشان را برای من می آورند؟ چرا قشنگترین دختر دنیا شیدای برادرم شده؟ خمیره مان که یکی است، نیست؟) (معروفی، ص 28)

1\_ ه\_ حرص وطمع : اورهان آرزو داشت که تمام دارایی پدرش را به دست آورد، و نه نیمی از آن را؛ حتی اگر مجبور شود برادرانش را بکشد.

- ( اورهان آدم دندان گرد و پول پرستی است.) ( معروفی ،ص255 )
- ( من مال نیمه‌ی اول بودم و او نیمه‌ی دوم. ولی جلوش میگیرم همه‌ی املاک رسماً مال من است، نه خانه نه حجره نه باغ زردآلو هیچ هیچ اسمی هم از او نیست...) (معروفی ،ص239)
- و به دلیل حرص و طمع زیاد، او معتقد بود؛ که سالهایی که با پدرش کار میکرد، زمانی که برادرش آیدین مشغول تحصیل بود، به او این حق را می دهد؛ که تمام دارایی پدرش را بگیرد. و برادرش را از ارث، محروم کند.
- (نشستم روی سنگ قبر و گفتم: " پدر من این عدلهای پسته را چهل پله را پایین بردم و بالا آوردم سالها سال. خودت شاهد بودی. خدای تو شاهد است. من تو کتم نمیروود که این الدنگ از گرد راه نرسیده بشود سه دانگ. پس تو چرا حقم را ندادی؟ چرا حقم را دیگران دادی؟) ( معروفی ،ص326-325)

## 2\_ فرهنگ و سطح تحصیلات

- تصورات عقب مانده در مورد نقش زنان یا مردان در جامعه و پایین بودن سطح تحصیلی و فرهنگی فرد ممکن است یکی از دلایلی باشد که فرد را بدون آگاهی به ارتکاب خشونت علیه دیگران سوق می دهد.
- جابر و پسرش اورهان در این رمان مجموعه‌ای از عقاید سنتی و عقب مانده در مورد زنان و کارکردهای آنها داشتند. و از نظر آنها زنان نباید خانه خود را ترک کنند و همه کارهای خانه را انجام دهند.
- بنابراین جابر تلاش کرد؛ تا آیدا را به یک دختر سنتی تبدیل کند؛ که فقط کارهای خانه را بلد است.
- (و معتقد بود که دخترها خانه‌داری یادگیرند. بعدها بچه‌دار شدند با عروسک واقعی سروکار خواهم داشت) (معروفی ،ص85 )
  - ( و اورهان درست در همان لحظه به خاطر اینکه آیدا جواربها و لباس او را با دقت نمی شوید یکی خواباند توی صورت آیدا .... آیدا گریه کرد، و پدر یک قاچ هندوانه در دست و یک گل در دهان همانطور ماند...) (معروفی ،ص128)
  - همچنین جابر برای تربیت فرزندان و تنبیه آنها راه دیگری جز کتک زدن و توهین کلامی و ... نمیدانست
  - ( اما پدر راه دیگری جز کتک نمی دانست برای همین توانست مهارش کند.) (معروفی ص85)
  - و وی معتقد است با این اقدامات فرزندان را تربیت می کند. و آنها را برای رسیدن به آرزوهایشان در مسیر درست، قرار می دهد.
  - (پدر گفت: " من می خواستم از او یک آدم نمونه بسازم اما نشد...) (معروفی ، ص39)
  - گاهی اوقات دلیل خشونت پدر نسبت به فرزندان، تخلیه خشم، عصبانیت و بی حوصلگی و ناآگاهی او از عواقب اعمال خود می باشد.

در این رمان مثلاً جابر به دلیل بسته بودن مغازه‌اش احساس بی‌حوصلگی و آشفتگی کرد، و سه بچه‌اش آیدا، آیدین و یوسف را کتک زد تا از آن بی‌حوصلگی خلاص شود.

▪ (از یک طرف بی‌کاری حوصله‌اش را سربرده بود و از سوی دلشوره داشت بهانه میگرفت، دوبار گوش آیدا را پیچاند، با کشیده‌ی به قول خودش جانانه، گوش یوسف نواخت. و سه بار باکمر بند افتاد به جان آیدین) (معروفی، ص 98-99)

خشونت نیز ممکن است ناخواسته باشد، مانند بی‌توجهی مادر به پسرش اورهان در حالیکه بیشتر توجه او به پسرش آیدین بود. و وی غافل از این بود که این اقدام، حسادت پسرش اورهان را برانگیخت و در دل او کینه‌ای نسبت به برادرش آیدین ایجاد کرد.

▪ (آن مادر که همه‌ی محبتش را شش دانگ به اسم آیدین انگشت زده بود، حتی یک بار هم نگفت اورهان من) (معروفی، ص 24).

### 3\_ از دست دادن امید و عدم احساس امنیت

آیدا بعد از اینکه شوهرش او را از خانه بیرون کرد؛ احساس ناامنی کرد زیرا تنها و بدون سرپناه در شهری بود که کسی را نمی‌شناخت و در عین حال جرأت بازگشت به خانه پدرش را نداشت، به خصوص بعد از اینکه آیدین خانه را ترک کرد.

▪ (همسایه‌هاش گفته‌اند آبادانی آن شب آیدا را از خانه انداخته بیرون. حالا چرا هیچ کس نمیداند... آن مردکه هم که گذاشت رفت آمریکا. به گمانم آیدا در وضعیت بدی بوده که نه روی برگشتن به اردبیل داشته، نه جای دیگری میتوانسته برود، خوب این بلا را سر خودش.....) (معروفی، ص 266)

### \_ فرونشاندن نزاع و انقلاب علیه دولت

رمان سمفونی مردگان، صحنه‌های خشونت‌آمیزی نیز دارد که گاه مخاطب به‌سختی، خواندن آن‌ها را برمی‌تابد. آن‌گاه که اورهان، یوسف را به بیابان‌های اطراف شهر می‌برد و گلو و رگ‌هایش را می‌برد و سپس با تخته سنگی بر سرش می‌کوبد، خشونتی غیرانسانی و سبعیتی مهار ناشدنی در رفتار او موج می‌زند<sup>30</sup>.

در این رمان، حکومت شاه برای حفظ تداوم حکومت خود، مخالفان آن را به حبس، اعدام و یا دارزدن مجازات کرد.

### نتیجه گیری

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که جامعه ایران در آغاز و اواسط قرن بیستم دچار امواج شدید و متنوع خشونت، به ویژه خشونت خانگی در اشکال مختلف آن، خشونت جمعی و خشونت فردی بود. و این به دلیل شرایطی است؛ که در آن زمان در ایران حاکم بود ... جنگ جاری و سلطنت طاغوتی و جهل و عقب ماندگی موروثی و طبیعت حیوانی از قبیل سرکش، حرص، طمع، حسادت و تکبر... همه بدن آن جامعه را ویران کردند. و از آن، جسمی ضعیف و بیمار ساختند؛ که شبیه به خانواده جابر بود....

نویسنده موفق شد به بیماریهای خشونت و انگیزه‌های آن در جامعه خود و خطر آنها اشاره کند. و این با تبیین شرایط خانواده جابر و اعضای آن، نیز با تبیین شرایط شهر اردبیل انجام کرد. ضمن اشاره به نتایج و آثار ناشی از این بیماریها از جمله نابودی وجدایی خانواده‌ها و از دست دادن افراد، که در مورد آیدا، آیدین، دلخون و دیگران... اتفاق افتاد. میتوان گفت که قربانیان خشونت از ضعیفترین افراد جامعه مانند: کودکان، زنان و یا جوانانی بودند که علیه شرایط جامعه خود قیام کردند.

## الهوامش:

- 1 - علی تسلیمی: گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران داستان، چاپ دوم 1393، نشر اختران، تهران، ص 232.
- 2 - حسین پارسی فر: مطالعه مؤلفه‌های مدرنیسم داستانی در سه رمان عباس معروفی (سمفونی مردگان، سال بلوا، تماماً مخصوص)، متن پژوهی ادبی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، دوره 26، شماره 29، 1401، تابستان، ص 202.
- 3 - یاسر شعبان التابعی: روایة كان لفریدون ثلاثة أبناء( فریدون سه پسر داشت) لعباس معروفی، رسالة غير منشورة، جامعة المنصورة، كلية الآداب قسم اللغات الشرقية، 2022، القاهرة، ص 53.
- 4 - توج زینی وند، مصیب قبادی: اثر پذیری غسان کنفانی و عباس معروفی در رماتهای (ما تبقی لکم) و (سمفونی مردگان) از خشم و هیاهوی ویلیام فاکنر، فصلنامه روزنامه لسان مبین (پژوهش: ادب عربی) (علمی - پژوهشی) - سال پنجم، دوره جدید، شماره سیزدهم، پاییز 1392، ص 61.
- 5 - زهرا سلجوقی، و عسگر صلاحی، (1394). بررسی تطبیقی داستان هایبل و قابیل با داستان سمفونی مردگان. همایش بین المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران. ص 1. <https://sid.ir/paper/849608/fa>. SID.
- 6 سهیلا شیخو: تحلیل شخصیت ها مفاهیم اساطیری و انواع آن در رمان سمفونی مردگان، فصلنامه علمی ادبیات عرفانی و اسطوره شناسی س 17 - ش 65 زمستان 1400، ص 250.
- 7 - عسگر عسگری حسنگو: نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی با تأکید بر ده رمان برگزیده، چاپ دوم، نشر فرزانه روز، 1386، تهران، ص 212.
- 8 - محمدابراهیم رهیاب بلخی: خشونت علیه زنان در رمان های خالد حسینی، پژوهشنامه ادبیات معاصر ایران شماره 1، بهار و تابستان 1398، ص 153.
- 9 - ثریا حقیر، ولایت بامیان: مبانی نظری خشونت علیه زنان، 1399 هـ.ش، ص 4 (مقاله) <http://hervo.org>.
- 10 - سوده مقصودی، فاطمه حجازی مقدم، سعیده درویشی: بررسی انواع خشونت‌های اعمال شده علیه زنان در رمان پریچهرزن و مطالعات خانواده، سال هفتم - شماره بیست و نهم - پاییز 1394، ص 30.
- 11 - وبگاه درمانکده: تیم تحریریه درمانکده، شناخت انواع خشونت. سال انتشار: 2020، تاریخ دریافت <https://www.darmankade.com> 2024/2/2
- 12 - سهاد ساعد صاحب: تمثالات العنف في رواية لم أعد ابكي لزینب حفنی، مجلة كلية التربية الأساسية، العدد 111، المجلد 27، سنة 2021، ص 824.
- 13 - سهاد ساعد صاحب: تمثالات العنف في رواية لم أعد ابكي لزینب حفنی، ص 826.
- 14 - سهاد ساعد صاحب: تمثالات العنف في رواية لم أعد ابكي لزینب حفنی، ص 824.
- 15 - وبگاه درمانکده: تیم تحریریه درمانکده، شناخت انواع خشونت. سال انتشار: 2020، تاریخ دریافت <https://www.darmankade.com> 2024/2/2
- 16 - وبگاه ویکیپدیا، خشونت علیه زنان در ایران، <https://fa.wikipedia.org/wiki>
- 17 - کیومرث رحمانی: خشونت علیه زنان در رمان جاي خالي سلوج و رمان گودان؛ پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره 22، شماره 1، بهار و تابستان 1396، ص 169.
- 18 - وبگاه، خبرگزاری دانشجویان ایران: خراسان رضوی، انواع خشونت علیه کودکان و راههای جلوگیری از آن، سال انتشار 1397: ه.ش، تاریخ دریافت <https://www.isna.ir> 2024/2/20
- 19 - وبگاه درمانکده: تیم تحریریه درمانکده، شناخت انواع خشونت. سال انتشار: 2020، تاریخ دریافت <https://www.darmankade.com> 2024/2/2
- 20 - میرسدی امیری: خشونت چیست و انواع آن کدامند، تاریخ انتشار: 2020/12/4 م تاریخ دریافت 2024/3/20، <https://reggioiran.com>
- 21 - عسگر عسگری حسنگو: نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی با تأکید بر ده رمان برگزیده، چاپ دوم، نشر فرزانه روز، 1386، تهران، ص 213.
- 22 - حامد خیرآبادی، اکبر شامیان ساروکلایی: (1392). دگرپرسی اسطوره در رمان فارسی: بررسی موردی رمان «سمفونی مردگان». همایش بین المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران. ص 5. <https://sid.ir/paper/829562/fa>. SID.
- 23 - علی تسلیمی: گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران داستان، چاپ دوم 1393، نشر اختران، تهران، ص 232

- 24- حسين پروانه دير ، زهرا وهاب حدادی زاده، (1391). بررسی رمان «سمفونی مردگان» از منظر منطق مکالمه میخاییل باختین. گردهمایی سراسری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران. ص 8. <https://sid.ir/paper/823747/fa>.SID.
- 25- حامد خیرآبادی ، اکبر شامیان ساروکلاهی: (1392). دگردیسی اسطوره در رمان فارسی: بررسی موردی رمان «سمفونی مردگان». همایش بین المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران. ص 7. <https://sid.ir/paper/829562/fa>.SID.
- 26- محمود صارمی: تاثیر مدرنیسم بر نظام های استعاره رمان سمفونی مردگان ؛ پژوهشنامه ادبیات داستانی، دانشگاه رای دوره دهم، شماره 1، بهار 1400، ص 73.
- 27- حامد خیرآبادی ، و اکبر شامیان، (1392): دگردیسی اسطوره در رمان فارسی: بررسی موردی رمان «سمفونی مردگان». همایش بین المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران. ص 7 <https://sid.ir/paper/829562/fa>.SID.
- 28- فواد مولودی، و حامد یزدخواستی، (1391). تحلیل فضای مرگ در رمان سمفونی مردگان. همایش پژوهش های ادبی؛ ص 2. <https://sid.ir/paper/843729/fa>.SID.
- 29- زهرا سلجوقی ، و عسگر صلاحی. (1394). بررسی تطبیقی داستان هاییل و قابیل با داستان سمفونی مردگان. همایش بین المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، ص 733-734. <https://sid.ir/paper/849608/fa>.SID.
- 30- علی رضا اسدی : کارکرد تشبیه در فضاسازی رمان سمفونی مردگان، مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی سال 10 - شماره 19 - بهار و تابستان 98 ، ص 45.

#### منابع فارسی

- تورج زینی وند، مصیب قبادی : اثر پذیری غسان کفانی و عباس معروفی در رمانهای (ما تبقی لکم) و (سمفونی مردگان) از خشم و هياهو و ویلیام فاکنر، فصلنامه روزنامه لسان مبین (پژوهش: ادب عربی) (علمی - پژوهشی) - سال پنجم، دوره جدید، شماره سیزدهم ، پاییز 1392.
- ثریا حقیر، ولایت بامیان: مبانی نظری خشونت علیه زنان، 1399 هـ ش ، ص 4 (مقاله) <http://hervo.org>.
- حامد خیرآبادی ، اکبر شامیان ساروکلاهی: (1392). دگردیسی اسطوره در رمان فارسی: بررسی موردی رمان «سمفونی مردگان». همایش بین المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران. ص 5. <https://sid.ir/paper/829562/fa>.SID.
- حسین پارسی فر : مطالعه مؤلفه های مدرنیسم داستانی در سه رمان عباس معروفی (سمفونی مردگان، سال بلوا، تماماً مخصوص)، متن پژوهی ادبی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی ، دوره 26 ، شماره 29 ، 1401 ، تابستان ، ص 202.
- حسین پروانه دیر ، زهرا وهاب حدادی زاده، (1391). بررسی رمان «سمفونی مردگان» از منظر منطق مکالمه میخاییل باختین. گردهمایی سراسری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران. ص 8. <https://sid.ir/paper/823747/fa>.
- زهرا سلجوقی ، و عسگر صلاحی. (1394). بررسی تطبیقی داستان هاییل و قابیل با داستان سمفونی مردگان. همایش بین المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، ص 733-734 . <https://sid.ir/paper/849608/f>.
- سهیلا شیخلو : تحلیل شخصیت ها مفاهیم اساطیری و انواع آن در رمان سمفونی مردگان ، فصلنامه علمی ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی س 17 - ش 65 زمستان 1400 .
- سوده مقصودی ، فاطمه حجازی مقدم، سعیده درویشی: بررسی انواع خشونت های اعمال شده علیه زنان در رمان پریچهر زن و مطالعات خانواده، سال هفتم - شماره بیست و نهم - پاییز 1394.
- عسگر عسگری حسنگو : نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی با تأکید بر ده رمان برگزیده ، چاپ دوم ، نشر فرزاد روز ، 1386 ، تهران .
- علی تسلیمی : گزار هایی در ادبیات معاصر ایران داستان ، چاپ دوم 1393 ، نشر اختران ، تهران .
- علی رضا اسدی : کارکرد تشبیه در فضاسازی رمان سمفونی مردگان، مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی سال 10 - شماره 19 - بهار و تابستان .

- فواد مولودي، و حامد يزدخواستي، (1391). تحليل فضای مرگ در رمان سمفونی مردگان. همایش پژوهش های ادبی؛ ص 2. <https://sid.ir/paper/843> SID.
- کیومرث رحمانی: خشونت علیه زنان در رمان جای خالی سلوچ و رمان گودان؛ پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره 22، شماره 1، بهار و تابستان 1396.
- محمدابراهیم رهیاب بلخی: خشونت علیه زنان در رمان های خالد حسینی، پژوهشنامه ادبیات معاصر ایران، شماره 1، بهار و تابستان 1398.
- محمود صارمی: تأثیر مدرنیسم بر نظام های استعاری رمان سمفونی مردگان؛ پژوهشنامه ادبیات داستانی، دانشگاه رای دوره دهم، شماره 1، بهار 1400.
- میرسدی امیری: خشونت چیست و انواع آن کدامند، تاریخ انتشار: 2020/12/4م تاریخ دریافت 2024/3/20، (<https://reggioiran.com>).

#### منابع عربی:

- سهاد ساعد صاحب: تمثلات العنف في رواية لم أعد ابكي لزینب حفني، مجلة كلية التربية الاساسية، العدد 111، المجلد 27، سنة 2021.
- یاسر شعبان التابعی: رواية كان لفريدون ثلاثة أبناء (فريدون سه پسر داشت) لعباس معروفی رسالة غير منشورة، جامعة المنصورة، كلية الآداب، قسم اللغات الشرقية، 2022، القاهرة.

#### منابع الكترونيكي:

- وبگاه، خیرگزاری دانشجویان ایران: خراسان رضوی، انواع خشونت علیه کودکان و راههای جلوگیری از آن، سال انتشار: 1397 هـ.ش، تاریخ دریافت 2024/2/20 <https://www.isna.ir>.
- وبگاه درمانکده: تیم تحریریه درمانکده، شناخت انواع خشونت. سال انتشار: 2020، تاریخ دریافت 2024/2/2 <https://www.darmankade.com>
- وبگاه ویکیپدیا، خشونت علیه زنان در ایران، <https://fa.wikipedia.org/wiki>.